

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

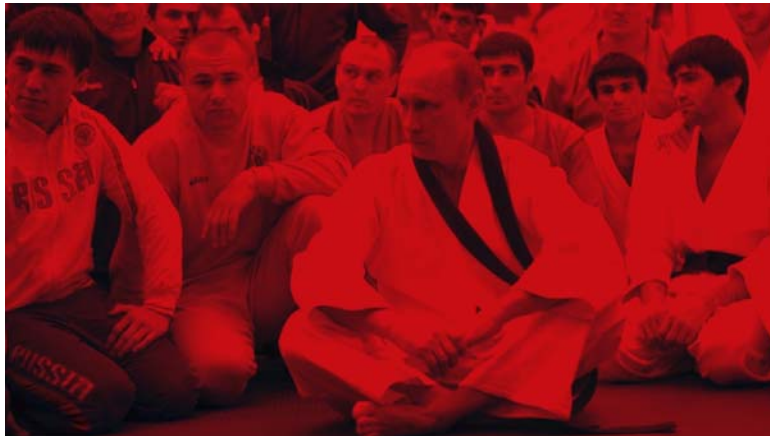
Political

سیاسی

نوشته: پهبه اسکویار (وبگاه کردل)  
برگردان: فرشید واحدیان  
۱۸ می ۲۰۲۲

## جودوی روسی پشت غرب را به خاک می‌مالد

میدان جنگ تعیین شده است



لیست سیاه رسمی کشورهای که روسیه را تحریم کرده‌اند شامل آمریکا، اتحادیه اروپا، کانادا؛ و در آسیا شامل جاپان، کوریای جنوبی، تایوان و سنگاپور (تنها کشور واقع در آسیای جنوب شرقی) می‌گردد. جهان جنوب باید بداند که هیچ کشوری از آسیای غربی، آمریکای لاتین و افریقا جزو این لیست نیستند.

مسکو تا به حال حتی مجموعه اقداماتی را که می‌تواند به عنوان «سخت‌ترین واکنش‌های ضد تحریم» نامیده شود، اعلام نکرده است. اما حکمی را که در مورد «تعهدات تبدیل ارز برای وام‌دهندگان خارجی» اعلام کرده آشکارا گویای وضعیت است. این حکم، به شرکت‌های روسی اجازه می‌دهد که وام خود را به شرکت‌های خارجی با روبل پرداخت نمایند.

یوگنی یوشچاک<sup>۲</sup>، اقتصاددان، از این حکم به عنوان «یک مین ائومی تلافی‌جویانه» یاد می‌کند. محور این اقدامات فرمانی است که از سوی ریاست جمهوری به نام «حکم موقت در مورد تعهدات مربوط به شماری از وام‌دهندگان خارجی» در پنجم ماه مارچ گذشته صادر شد.

نحوه عمل از این قرار است که برای بازپرداخت وام‌هایی که از کشورهای تحریم‌کننده دریافت شده و اقساط ماهیانه آنها بیش از دهمیلیون روبل است، شرکت‌های روسی نیاز به انتقال ارز ندارند. آنها از یک بانک روسی تقاضای افتتاح

حسابی به روبل و به نام وام‌دهنده، خواهند کرد. پس از آن شرکت قسط وام را در زمان پرداخت به نرخ روز تبدیل و به این حساب واریز می‌نماید و همه این عملیات کاملاً مطابق قانون انجام خواهد گرفت.

پرداخت به ارز خارجی تنها توسط بانک مرکزی برحسب مورد انجام خواهد گرفت. برای این پرداخت‌ها باید مجوز خاصی از سوی کمیسیون دولتی نظارت بر سرمایه‌گذاری خارجی، صادر شود.

به عنوان نتیجه بحث من با مایکل هادسون، این کار عملاً به معنای حذف بخش اعظم ۴۷۸ میلیارد دلار وام خارجی روسیه از ترازنامه بانک‌های غربی است. معادل روبلی این وام در محلی، یعنی در یکی از بانک‌های روسیه واریز می‌شود، اما با وضعیت فعلی، بانک‌های غربی به آن دسترسی نخواهند داشت.

به ظن قوی این ستراتیژی سرراست نمی‌تواند محصول فکر مغزهای مملکت بر باددهی باشد که در بانک مرکزی روسیه جمع شده‌اند، و به احتمال زیاد در اتخاذ این ستراتیژی از نظرات سرگئی گلایف و مقاله درخشانش با عنوان «تحریم‌ها و حاکمیت ملی» استفاده شده است.

در همین حال، سپر بانک<sup>۳</sup> کارت‌های اعتباری میر<sup>۴</sup> را در مشارکت با مؤسسه اعتباری یونیون پی<sup>۵</sup> چین صادر می‌کند. آلفا بانک<sup>۶</sup> بزرگترین بانک خصوصی در روسیه. اقدام به صدور کارت‌های اعتباری و بانکی یونیون پی خواهد کرد. ۴۰ درصد از مردم روسیه که هم اکنون نیز از میر کارت برای پرداخت‌های داخلی خود استفاده می‌کنند، در آینده از طریق شبکه عظیم یونیون پی، در خارج از کشور هم می‌توانند از آن استفاده نمایند. بدون استفاده از [کارت‌های اعتباری] ویزا و مستر کارت، سود (کمیسیون) حاصله از همه تراکنش‌ها هم در محدوده روسیه و چین باقی خواهد ماند. و این بُعد دیگری از روند دالرزدائی است.

### جناب مادورو ممکن است کمی نفت به ما بدهید؟

می‌توان گفت که مذاکرات هسته‌ای در وین، حتی به شهادت دیپلمات چینی ونگ کوان، به آخرین مرحله‌اش رسیده بود که آقای لاوروف متغیر جدیدی را مطرح کرد. لاوروف همان طور که توسط رسانه‌های زیر فرمان ناتو اعلام شد، به صراحت تمام اظهار داشت که «... ما خواستار تضمینی کتبی هستیم ... تا روندی که اکنون توسط ایالات متحده کلید خورده (منظور اعلام تحریم‌های بی‌شمار علیه روسیه است. م) به هیچ وجه به حق ما در تجارت آزاد و کامل، مشارکت اقتصادی، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های نظامی فنی با جمهوری اسلامی، خدشه‌ای وارد ننماید.

بر طبق برجام، روسیه اورانیوم غنی‌شده را در مقابل کیک زرد، از ایران دریافت کرده و به موازات آن در تبدیل سایت اتمی فردو به مرکز تحقیقات اتمی به ایران یاری خواهد رساند. بدون امکان صدور اورانیوم غنی‌شده، توافق برجام ناممکن خواهد بود. بسیار شگفت‌آور است که بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، این مطلب را درک نکرده باشد.

طرف‌های مستقیم و غیرمستقیم درگیر در مذاکرات وین به خوبی آگاهند که امضای توافق برجام جدید، نباید به عملی برای هدف قرار دادن کشوری به دلیل داشتن رابطه تجاری با ایران تبدیل شود. تهران نیز از این قضیه آگاه است.

بنابراین آنچه اکنون شاهد هستیم مانوری متقارن میان دیپلماسی ایران و روسیه است. سفیر روسیه در ایران، لوان جاگاریان عکس‌العمل تند بعضی از مقامات به سخنان لاوروف را به «سوء برداشت» نسبت داد. اما هیچ کدام از این بیانات بدرستی منعکس نشد.

عامل مهم دیگر، که از قول یک منبع اطلاعاتی در خلیج فارس که به مقامات ایرانی نزدیک است نقل می‌شود، این است که ایران هم اکنون مشغول فروش روزانه ۳ میلیون بشکه نفت است. بنابراین: «امضای توافق در میزان عرضه نفت تأثیری نداشته و تنها منجر به افزایش درآمد ایران از فروش نفت خواهد شد.»

با ممنوع کردن واردات نفت و گاز از روسیه، دومین صادرکننده نفت به ایالات متحده بعد از کانادا و قبل از مکزیکو، دولتی که توسط یک مرده متحرک با کنترل از راه دور، و گوشی و روخوانی اداره می‌شود، دچار مخمصه شده است. اکنون این دولت تنها ستراتیژی جایگزین را خرید نفت از ونزوئلا و ایران می‌بیند.

در نتیجه کاخ سفید هیأتی را به رهبری خوان گونزالس، مشاور ارشد کاخ سفید در امور امریکای لاتین، برای مذاکره با رئیس‌جمهور ونزوئلا مادورو گسیل داشت. این هیأت پیشنهاد تخفیف تحریم‌ها علیه کاراکاس را در قبال دریافت نفت مطرح کرد.

ایالات متحده اگر نگوئیم دهه‌ها، سال‌های زیادی را صرف سوزاندن پل‌های پشت سر با ونزوئلا و ایران کرد. دولت ایالات متحده عراق و لیبیا را منهدم کرد و با تحریم ونزوئلا و ایران، خواست که بر کل بازارهای نفت جهان تسلط یابد. اما اکنون ملت‌مسانه در صدد خرید نفت از آنها، و فرار از ضربه خردکننده‌ای است که نیروهای اقتصادی ره‌اشده بر سرش وارد خواهند نمود. این اقدامات بار دیگر تأییدی است بر سرگیجه «سیاست‌گذاران امپراتوری».

کاراکاس از ایالات متحده رفع همه تحریم‌ها و بازگرداندن کل طلاهای ضبط شده را طلب خواهد کرد. خواسته‌هایی که به نظر می‌رسد چندان برای به اصطلاح «رئیس‌جمهور» گوایدو، روشن نبوده است.

### اروپا جامعه‌ای در حال گسست

در عین حال بازار نفت و گاز در وحشت کامل به سر می‌برد. هیچ معامله‌گر غربی حاضر به خرید گاز از روسیه نیست، اما گازپرام مستقل از این بی‌ثباتی، به تعهدات خود با مشتریانی که با آنها قرارداد درازمدت با نرخ‌های تثبیت شده (بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ دلار) دارد پایبند است (در حالی‌که دیگران در بازار نقد بیش از ۳۰۰۰ دلار پرداخت می‌کنند).

به دلیل تشنج ناشی از تحریم‌ها، تمایل بانک‌های اروپایی به پرداخت وام برای معاملات انرژی با روسیه، روبه روز کاهش می‌یابد. وقتی شرکت وینتر شل دای ۷ واردکننده گاز، سهم خود را از اعتبار تأمین شده برای پروژه خط لوله نورد استریم ۲، به فروش گذاشت، باید این حرکت را عملاً به حساب انحلال کامل پروژه به حساب آورد.

هرکس در آلمان، با ذره‌ای عقل، می‌داند که احداث دو پایانه جدید برای تحویل گاز مایع- که هنوز ساخته هم نشده‌اند- جوابگوی مصرف آلمانی‌ها نیست. اصولاً گاز مایع کافی برای جوابگویی به مصرف آنها در بازار وجود ندارد، اروپائیان می‌باید بر سر قیمت با آسیا رقابت نمایند.

اروپا سالانه حدوداً ۴۰۰ میلیارد متر مکعب گاز وارد می‌کند، که ۲۰۰ میلیارد آن از روسیه وارد می‌شود. اروپا از کجا می‌تواند این میزان واردات را جایگزین نماید؟ از الجزایر، قطر، و یا ترکمنستان؟ بگذریم که پایانه‌های لازم نیز برای این جایگزینی‌ها وجود ندارد.

بنابراین شک نیست که برنده اصلی این آشفتگی ایالات متحده خواهد بود. امریکا نه تنها خواهد توانست پایانه‌ها و سیستم‌های کنترل خود را به اروپا تحمیل کند، از پرداخت وام، فروش تجهیزات و جایگاه‌های ذخیره به اتحادیه اروپا سود برده و به کل زیر ساخت انرژی اروپا تسلط می‌یابد. تمام لوله‌های انتقال، انبارهای ذخیره و تأسیسات دیگر شبکه گاز مایع، همگی وابسته به یک اتاق فرمان واحد خواهد شد و آن‌گاه رؤیای تجاری امریکا محقق خواهد می‌شود.

آنچه برای اروپا باقی خواهد ماند کاهش تولید گاز برای صنایع در حال افول، افزایش بیکاری، پائین آمدن سطح رفاه؛ فشار بیشتر بر روی تأمین اجتماعی و در آخر از همه مهم‌تر دریافت وام بیشتر از ایالات متحده است. بعضی کشورها به مصرف ذغال سنگ بازگشته، و عیش بهار سبزه‌ها را به طیش خزان مبدل خواهند کرد.

اما در مورد روسیه چه می‌توان گفت؟ حتی با فرض قطع همه صادرات انرژی آن- که با توجه به وجود مشتریانی مهم در آسیا فرض صحیحی به نظر نمی‌رسد- روسیه مجبور به استفاده از ذخیره ارز خارجی خود نیست.

حمله همه‌جانبه روسیه گریزی به صادرات این کشور شامل صدور پالادیوم نیز می‌شود، فلزی که در تولید وسایل الکترونیک از لپ‌تاپ گرفته تا سیستم‌های هواپیما نقشی حیاتی دارد. روسیه ۵۰ درصد بازار را در کنترل خود دارد، و اکنون باعث شده که قیمت آن سر به فلک بزند. بعد نوبت به گازهای نادری چون نئون، آرگون و زنون که برای تولید ریزتراشه‌ها نقش اساسی دارند می‌رسد. قیمت تیتانیوم ۲۵ درصد افزایش یافته است، یک سوم مصرف بونینگ و دو سوم مصرف ایرباس از این فلز را روسیه تأمین می‌کند. روغن، مواد غذایی و کودهای کیمیائی، فلزات ستراتیژیک، گاز نئون برای نیمه هادی‌ها، همه هیزم‌هایی شده‌اند برای سوزاندن روسیه جادوگر.

بعضی از غربی‌ها که هنوز به سیاست عمل‌گرای (رنال پولیتیک) بیسمارکی اعتقاد دارند، از خود می‌پرسند، نکند مستثنی کردن صادرات انرژی (در مورد اروپا) و کالاهای معینی از تحریم‌ها، برای حفظ سود سرشار ناشی از زدو بندها در مشتقات معاملات کالائی باشد؟ (منظور معاملاتی قماری است که بر روی افزایش یا کاهش قیمت کالاها در آینده شرط بندی می‌کنند. م.) زیرا اگر این سیستم به دلیل کمبود کالا فروپاشد، کل نظام مالی غرب فرو ریخته و سیستم به معنای واقعی سقوط می‌کند.

این مسأله باید توسط جهان جنوب بدرستی درک شود که این «غرب» نیست که دست به خودکشی زده، این امپراتوری دروغ است که عماداً در صدد از میان بردن صنایع المان و اقتصاد اروپاست: امری که انجامش با کمک احمق‌های الکن بروکسل که بخش کثیف کار را به عهده گرفته‌اند، بسیار آسان شده است.

از میان بردن اقتصاد اروپا به معنای جلوگیری از ایجاد فضای بازار بیشتر برای چین، و سد کردن روابط تجاری گریزناپذیر بیشتری است که ناشی از تبادل متقابل میان اتحادیه اروپا و مشارکت جامع اقتصادی منطقه‌ای<sup>۸</sup>، یعنی بزرگترین قرارداد تجاری در جهان، خواهد بود.

در نتیجه همان زمان که چین شمار طبقه متوسط خود را به بیش از ۵۰۰ میلیون نفر می‌رساند، امریکا سهم ناهار اروپا را خواهد بلعید و روسیه همان گونه که گلازیف نقل می‌کند: مستقل و متکی به خود خواهد ماند.

مایکل هادسون به درستی مشخصات فروپاشی خودخواسته امپراتوری غرب را ترسیم نموده است. مصیبتی ستراتیژیک با نتایجی وحشتناک، وقتی که می‌بینیم چگونه گروهی کر و کور و احمق این چنین با سرعت به سوی بحرانی اقتصادی همراه با تورم شدید رژه می‌روند.

اما مأموریت بعضی‌ها با موفقیت به انجام رسیده است.

1. <https://thecradle.co/Home>
2. Yevgeny Yushchuk
3. Sberbank
4. Mir Card
5. UnionPay
6. Alfabank
7. Wintershall-Dea
8. Regional Comprehensive Economic Partnership (RCEP)

دانش و امید، شماره ۱۱ اردیبهشت - ثور - ۱۴۰۱